

Predicting the Mean Score of Tendency to Addiction Based on Parenting Styles and Cognitive Emotion Regulation of University Students

Turkmani H¹, *Ghasemi Mutlaq M², Ismaili Shad B³, Mohammadipour M⁴

Author Address

1. Doctoral student of general psychology, Bojnord branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran;

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran;

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran;

4. Associate Professor, Department of Psychology, Qochan Branch, Islamic Azad University, Qochan, Iran.

*Corresponding Author Email: m_ghasemi@bojnordiaiau.ac.ir

Received: 2021 March 1; Accepted: 2021 July 10

Abstract

Background & Objectives: Higher education is considered a great stage of life in spite of their problems. These problems may lead to the possibility of experiencing and suffering from some social harms, including addiction. The tendency of students towards drugs and their harms is one of the main areas of addiction prevention programs related to students. One of the variables affecting the tendency to addiction is parenting styles which is a set of behaviors that determine the parent-child interactions in different and extended situations. Parenting styles include authoritarian, authoritative and permissive styles. Another variable affecting the tendency to addiction is cognitive emotion regulation. Emotion regulation refers to the processes by which a person experiences emotions and how to express them. Today, addiction tendency is considered an effective factor that has changed the parenting style. This endeavor requires improving cognitive emotion regulation in learners. Therefore, according to what was stated, this study aimed to predict the tendency to addiction based on parenting styles and emotional cognitive tension in students.

Methods: This study was cross-sectional and the research method was descriptive-analytical of correlational type. The statistical population of this study consisted of all students of Payame Noor University in Gonbad Kavous City, Iran, in the academic year of 2019–2020. There were 3548 students. The sampling method considered the possibility of a drop in respondents and inappropriate responses. Thus, 400 hundred questionnaires were distributed among all university students. Finally, 390 questionnaires were returned and 384 questionnaires were selected for statistical analysis. The inclusion criteria were being a student of Payam Noor University in the city of Gonbad Kavos and studying in the academic year of 2018–2019. The exclusion criterion was incomplete questionnaires. The measuring instruments were the Parenting Style Questionnaire (Baumrind, 1991), Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (Garenfesi et al., 2001) and Tendency to Addiction Scale (Weed et al., 1992). Descriptive statistics (mean and standard deviation) and inferential statistics (the Pearson correlation coefficient and multivariate regression analysis) were performed in SPSS version 22. The significance level of the tests was set at 0.05.

Results: The results showed that between permissive style ($p < 0.001$, $r = 0.491$), authoritative style ($p < 0.001$, $r = -0.523$), authoritarian style ($p < 0.001$, $r = 0.406$) and emotional cognitive regulation ($p < 0.001$, $r = 0.475$) were correlated with addiction tendency. Also, based on the results of multiple linear regression analysis, permissive style ($p < 0.001$, $\beta = 0.203$), authoritative style ($p < 0.001$, $\beta = 0.274$), authoritarian style ($p < 0.001$, $\beta = 0.193$), and cognitive regulation of emotion ($p < 0.001$, $\beta = 0.315$) could predict the mean score of addiction tendency.

Conclusion: According to the results of this study, using the correct parenting styles and improving cognitive emotion regulation can reduce the tendency to addiction in University students.

Keywords: Addiction tendency, Parenting styles, Cognitive emotion regulation, Students.

پیش‌بینی میانگین نمره‌گرایش به اعتیاد براساس سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی هیجان دانشجویان

حسین ترکمانی^۱، *مهدی قاسمی مطلق^۲، بهرنگ اسماعیلی شاد^۳، محمد محمدی‌پور^۴

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران؛

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران؛

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران؛

۴. دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد فوجان، دانشگاه آزاد اسلامی، فوجان، ایران.

*وابانامه نویسنده مسئول: m_ghasemi@bojnourdiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۱ اسفند ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۹ تیر ۱۴۰۰

چکیده

زمینه و هدف: باتوجه به مضرات و خطرات اعتیاد و اینکه هرروزه افراد زیادی به دام آن گرفتار می‌شوند، شناسایی متغیرهای اثرگذار بر آن اهمیت دارد. هدف این تحقیق، پیش‌بینی میانگین نمره‌گرایش به اعتیاد براساس سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی هیجانی دانشجویان بود.

روش‌بررسی: این مطالعه از نوع مقطعی و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانشجویان دانشگاه پیام‌نور گنبد کاووس در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ به تعداد ۳۵۴۸ نفر تشکیل دادند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۳۸۴ دانشجو به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری (بامریند، ۱۹۹۱)، پرسش‌نامه تنظیم شناختی هیجان (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۱) و مقیاس گرایش به اعتیاد (وید و همکاران، ۱۹۹۲) بود. برای تحلیل داده‌ها از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ در سطح معناداری ۰/۰۵ استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، بین سبک سهل‌گیرانه ($r=0/491, p<0/001$)، سبک مقتدرانه ($r=-0/523, p<0/001$)، سبک استبدادی ($r=0/406, p<0/001$) و تنظیم شناختی هیجان ($r=0/475, p<0/001$) با گرایش به اعتیاد همبستگی معنادار وجود داشت. همچنین براساس نتایج تحلیل رگرسیون خطی چندگانه، سبک سهل‌گیرانه ($p<0/001$)، $\beta=0/203$)، سبک مقتدرانه ($\beta=0/274, p<0/001$)، سبک استبدادی ($\beta=0/193, p<0/001$) و تنظیم شناختی هیجان ($\beta=0/315, p<0/001$) میانگین نمره‌گرایش به اعتیاد را پیش‌بینی کردند.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، با استفاده از سبک‌های فرزندپروری صحیح و بهبود تنظیم شناختی هیجانی می‌توان میانگین نمره‌گرایش به اعتیاد را پیش‌بینی کرد و گرایش به اعتیاد را در دانشجویان کاهش داد.

کلیدواژه‌ها: گرایش به اعتیاد، سبک‌های فرزندپروری، تنظیم شناختی هیجانی، دانشجویان.

دوران دانشجویی و تحصیل با وجود مشکلات فراوان از قبیل مسائل مالی، خوابگاه، شرایط کلاسی، میزان آمادگی برای امتحان، فاصله از خانواده و ماجراجویی‌های دانشجویی، مرحله‌ای از زندگی به‌شمار می‌رود که امکان تجربه و گرفتاری برخی آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد را دامن می‌زند. اهمیت تمایل و گرایش دانشجویان به مصرف مواد مخدر^۱ و آسیب‌های ناشی از آن موجب شده است تا یکی از موضوعات مهم توجه به برنامه‌های پیشگیری از مصرف مواد و اعتیاد، قشر دانشجو باشد (۱).

اعتیاد^۲ به معنای پاسخ فیزیولوژیک بدن به مصرف مداوم مواد اعتیادآور است؛ به‌طوری‌که تکرار مصرف، نشاط آنی و آرامش موقت را برای فرد در پی دارد و با ایجاد اختلال در کنترل سیستم رفتار-پاداش^۳، موجب افزایش جست‌وجوی فرد برای یافتن مواد مخدر و ایجاد وابستگی شدید به آن می‌شود (۲). باتوجه به مضرات و خطرات اعتیاد، هرروزه افراد زیادی به دام آن گرفتار می‌شوند و این زنگ خطری برای اجتناب سایر افراد جامعه به‌خصوص جوانان است. مصرف مواد در کشور ایران سابقه‌ای چند هزارساله دارد. باتوجه به اولین احکام صادرشده مربوط به ممنوعیت مصرف تریاک که به حدود چهارصد سال قبل بازمی‌گردد، روشن می‌شود که عوارض آن سال‌هاست توجه سیاست‌مداران را به خود جلب کرده است. عوارض متعدد بهداشتی، روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی اعتیاد، سلامت اجتماع را از لحاظ گوناگون به‌خطر می‌اندازد (۳).

یکی از متغیرهای اثرگذار بر گرایش به اعتیاد، سبک‌های فرزندپروری^۴ است (۴). سبک فرزندپروری عبارت است از رفتارهایی که در برقراری ارتباط بین والدین و فرزندان در شرایط و موقعیت‌های مختلف اثر می‌گذارد و زمینه را برای ایجاد تعامل و ارتباط گسترده فراهم می‌کند. سبک‌های فرزندپروری شامل سبک‌های مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه^۵ می‌شود. سبک‌های فرزندپروری، دارای نقش‌های حمایتی و غیرحمایتی با پیامدهای متفاوت بر تحول کودک است (۵). سبک مستبدانه یا سلطه‌گر شامل قوانین اجباری و سخت‌گیرانه و سطوح پایین پذیرش می‌شود. سبک مقتدرانه ترکیبی از کنترل حمایت و علاقه‌مندی منطقی است. سبک سهل‌گیرانه با سطوح پایین کنترل همراه است (۶). مطالعه برگ و همکاران نشان داد، بین سبک‌های فرزندپروری و وابستگی به مواد مخدر ارتباط وجود دارد (۷). وحید در پژوهشی دریافت، سبک‌های فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده گرایش به اعتیاد است (۸).

از دیگر متغیرهای اثرگذار بر گرایش به اعتیاد، تنظیم شناختی هیجانی^۶ است (۹). تنظیم هیجان به فرایندهایی اشاره می‌کند که از طریق آن فرد بر اینکه چه هیجان‌هایی را تجربه کرده و چه موقع آن‌ها را تجربه کند و نیز بر چگونگی بیان‌شان، تأثیر می‌گذارد. تنظیم شناختی هیجان شامل نه راهبرد مقصر دانستن خود، مقصر دانستن دیگران، اشتغال ذهنی، فاجعه‌آمیزپنداری رخداد، اتخاذ دیدگاه، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی

مجدد مثبت، تسلیم شرایط شدن و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی است (۱۰). مک‌کی و همکاران در مطالعه خود نشان دادند، تنظیم شناختی هیجانی پیش‌بینی‌کننده اعتیاد است (۱۱). ویلکوکس و همکاران گزارش کردند، بین تنظیم شناختی هیجانی و اختلال وابستگی به مواد مخدر ارتباط وجود دارد (۱۲). سلان و همکاران در پژوهشی به ارتباط بین تنظیم شناختی هیجانی و گرایش به اعتیاد اشاره کردند (۱۳).

امروزه گرایش به اعتیاد به‌عنوان عاملی اثرگذار که موجب تغییر در سبک فرزندپروری می‌شود، مدنظر قرار گرفته است. این امر مستلزم وجود بهبود تنظیم شناختی هیجانی در فراگیران است. تنظیم شناختی هیجانان و سبک‌های فرزندپروری و پژوهش در زمینه ارتباط آن‌ها با مسئله گرایش به اعتیاد دانشجویان، زمینه ارائه راهکارها را درجهت کاهش این گرایش در جامعه دانشجویی و میزان سلامت جسمی و روانی آشکار می‌کند که این امر موجبات رشد و ترقی دانشگاه‌ها و رقابت در ابعاد گوناگون را به‌دنبال خواهد داشت؛ بنابراین باید گفت، پژوهش و بررسی آن‌ها مهم و ضروری تلقی می‌شود. باتوجه به اینکه در جامعه دانشجویی که پویایی و انسجام آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت و تعالی کشور شود، بررسی عوامل مرتبط با گرایش به اعتیاد دانشجویان و عوامل پیش‌بینی‌کننده زمینه این سازه، می‌تواند در راستای کاهش چالش‌های جامعه دانشجویی نقش بسزایی داشته باشد. ازسویی دیگر مطالعات داخل کشور حکایت از آن دارد که ارتباط هم‌زمان متغیرهای پژوهش حاضر بررسی نشده است؛ بنابراین باتوجه به آنچه بیان شد، هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی میانگین نمره گرایش به اعتیاد براساس سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی هیجان در دانشجویان بود.

۲ روش‌بررسی

پژوهش حاضر مقطعی و از نظر روش تحقیقی توصیفی تحلیلی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری را تمامی دانشجویان دانشگاه پیام‌نور گنبد کاووس در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ به تعداد ۳۵۴۸ نفر تشکیل دادند. از این جامعه براساس جدول کرجسی و مورگان (۱۴)، ۳۸۴ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری بدین‌صورت بود که با درنظرگرفتن احتمال افت پاسخ‌گویان و پاسخ‌گویی نامناسب، چهارصد پرسش‌نامه در بین کل دانشجویان دانشگاه توزیع شد. درنهایت، ۳۹۰ پرسش‌نامه بازگردانده شد و انتخاب ۳۸۴ پرسش‌نامه برای تجزیه و تحلیل آماری صورت گرفت. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به تحقیق این بود که فرد نمونه باید از دانشجویان دانشگاه پیام‌نور شهر گنبد کاووس و مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ باشد. ملاک خروج شرکت‌کنندگان از مطالعه، تکمیل نکردن پرسش‌نامه‌ها بود.

ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به‌شرح ذیل بود: تمامی شرکت‌کنندگان به‌شکل شفاهی اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در آن مشارکت کردند؛ این اطمینان به آزمودنی‌ها

^۵. Authoritarian, authoritative and permissive styles

^۶. Emotional cognitive regulation

^۱. Drug use

^۲. Addiction

^۳. Behavior-reward system

^۴. Parenting styles

داده شد که تمامی اطلاعات آن‌ها محرمانه می‌ماند و به‌منظور رعایت حریم خصوصی آنان ثبت نمی‌شود. ابزارهای زیر در این مطالعه به‌کار رفت.

– پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری^۱: این پرسش‌نامه توسط بامریند در سال ۱۹۹۱ طراحی شد (۱۵). پرسش‌نامه دارای سی سؤال است و سه خرده‌مقیاس سه‌پهل‌گیرانه (ده سؤال) و مقتدرانه (ده سؤال) و استبدادی (ده سؤال) را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری به‌شیوه لیکرت از صفر (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) انجام می‌شود که با جمع نمره‌های سؤال‌های مربوط به هر سبک و تقسیم آن بر تعداد سؤالات، نمره مجزا به‌دست می‌آید. نمره بیشتر در هر خرده‌مقیاس نشان‌دهنده استفاده از آن نوع سبک در فرزندپروری است (۱۵). پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش بازآزمایی برای خرده‌مقیاس شیوه‌های سه‌پهل‌گیر ۰/۸۵، مقتدرانه ۰/۷۸ و استبدادی ۰/۸۶ گزارش شد و روایی محتوایی و صوری آن نیز به تأیید رسید (۱۵). روایی و پایایی این پرسش‌نامه در ایران توسط مینایی و نیکزاد بررسی شد. در پژوهش آن‌ها ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ برای سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه ۰/۷۵، سه‌پهل‌گیرانه ۰/۷۴ و استبدادی ۰/۶۴ به‌دست آمد. روایی محتوایی و صوری پرسش‌نامه توسط سه تن از متخصصان حوزه روان‌شناسی تأیید شد (۱۶).

– پرسش‌نامه تنظیم شناختی هیجان^۲: این پرسش‌نامه توسط گارنفسکی و همکاران در سال ۲۰۰۱ طراحی شد (۱۷). این پرسش‌نامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان را در پاسخ به حوادث تهدیدکننده و تنیدگی زندگی می‌سنجد. پرسش‌نامه ۳۶ گویه دارد. نمره‌گذاری هر گویه بر پیوستار از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) است. پرسش‌نامه تنظیم شناختی هیجان، چندبُعدی است که برای شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی افراد پس از تجربه‌کردن وقایع یا موقعیت‌های منفی به‌کار می‌رود. برخلاف سایر پرسش‌نامه‌های مقابله‌ای که به‌صورت آشکار بین افکار فرد و اعمال واقعی وی تمایزی قائل نیست، این پرسش‌نامه فکری‌های شخص را پس از مواجهه با تجربه‌ای منفی یا وقایع آسیب‌زا ارزیابی می‌کند. پرسش‌نامه مذکور نه خرده‌مقیاس خودسرزنشگری، دیگرسرزنشگری، تمرکز بر فکر/نشخوارگری، فاجعه‌نمایی، کم‌اهمیت‌شماری، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی را می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره در هر خرده‌مقیاس به‌ترتیب ۲ و ۱۰ است. نمره بیشتر نشان‌دهنده استفاده بیشتر فرد از آن راهبرد شناختی است (۱۷). در نسخه اصلی پرسش‌نامه، پایایی ضریب آلفا برای خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۱ و روایی محتوایی و صوری آن توسط سازندگان مطلوب گزارش شد (۱۷). در پژوهش خوش‌ضمیر و بیش، میزان پایایی به‌روش آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس‌های خودسرزنشگری ۰/۷۲، پذیرش ۰/۷۱، نشخوارگری ۰/۷۴، تمرکز مجدد مثبت ۰/۷۳، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی ۰/۷۵، ارزیابی مجدد مثبت ۰/۷۸، کم‌اهمیت‌شماری ۰/۷۴، فاجعه‌نمایی ۰/۷۰، دیگرسرزنشگری ۰/۷۸

و برای کل تنظیم شناختی هیجانی ۰/۷۴ به‌دست آمد. روایی سازه پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی به تأیید رسید (۱۸).

– مقیاس گرایش به اعتیاد^۳: این مقیاس توسط وید و همکاران در سال ۱۹۹۲ طراحی شد (۱۹). این مقیاس از دو عامل تشکیل شده است و ۳۶ ماده به‌اضافه پنج ماده دروغ‌سنج دارد. نمره‌گذاری هر سؤال بر پیوستاری از صفر (کاملاً مخالفم) تا ۳ (کاملاً موافقم) است؛ البته این شیوه نمره‌گذاری در سؤالات ۶، ۱۲، ۱۵ و ۲۱ معکوس خواهد شد. این ابزار دارای عامل دروغ‌سنج است که شامل سؤالات ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۱ و ۳۳ می‌شود. برای به‌دست‌آوردن امتیاز کلی پرسش‌نامه باید مجموع امتیازات تک‌تک سؤالات (به‌غیر از مقیاس دروغ‌سنج) باهم جمع شود. این نمره دامنه‌ای از صفر تا ۱۰۸ خواهد داشت. نمرات بیشتر به‌معنای آمادگی بیشتر فرد پاسخ‌دهنده برای اعتیاد است و برعکس (۱۹). در نسخه اصلی مقیاس، ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ بود و روایی محتوایی و صوری آن نیز تأیید شد (۱۹). زرگر و همکاران در روایی ملاکی نشان دادند، این مقیاس دو گروه معتاد و غیرمعتاد را به‌خوبی از هم تمیز می‌دهد. همچنین به‌عنوان روایی همگرا، رابطه نمرات این آزمون با مقیاس ۲۵ سؤالی فهرست بالینی علائم بالینی ۰/۴۵ محاسبه شد که معنادار بود. پایایی مقیاس به‌روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد که در حد مطلوب بود (۲۰). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی به‌کار رفت. همچنین پس از بررسی پیش‌فرض‌های آماری نرمال‌بودن توزیع داده‌ها از طریق آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف، خطی‌بودن رابطه بین متغیرها، همسانی واریانس داده‌ها با آزمون لون و نبود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل و مقدار عامل تورم واریانس، روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ در سطح معناداری ۰/۰۵ استفاده شد.

۳ یافته‌ها

در این پژوهش ۳۸۴ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام‌نور شهر گنبد کاووس در مقطع کارشناسی، شرکت کردند. میانگین و انحراف معیار سنی آن‌ها $21 \pm 3/5$ سال بود. همچنین ۲۹۵ نفر (۷۶/۸۳ درصد) مجرد و ۸۹ نفر (۲۳/۱۷ درصد) متأهل بودند. برای بررسی نرمال‌بودن متغیرها از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج، نرمال‌بودن متغیرها را مشخص کرد ($p > 0/05$). نتایج آزمون لون نیز نشان‌دهنده برابری واریانس داده‌ها بود ($p > 0/05$). همچنین مقدار عامل تورم واریانس حاصل برای متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ به‌دست آمد که نبود هم‌خطی بین متغیرها را نشان داد. در جدول ۱، شاخص‌های میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش گزارش شده است. در جدول ۲ ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرها آورده شده است؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین سبک سه‌پهل‌گیرانه ($r = 0/491$ ، $p < 0/001$)، سبک مقتدرانه ($r = -0/523$ ، $p < 0/001$)، سبک استبدادی ($r = 0/406$ ، $p < 0/001$) و تنظیم شناختی هیجان ($r = 0/475$ ، $p < 0/001$) با گرایش به اعتیاد رابطه معنادار وجود داشت.

۳. Tendency to Addiction Scale

۱. Parenting Style Questionnaire

۲. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی سبک‌های فرزندپروری، تنظیم شناختی هیجان و گرایش به اعتیاد

متغیر	سبک سهل‌گیرانه	سبک مقتدرانه	سبک استبدادی	تنظیم شناختی هیجان	گرایش به اعتیاد
میانگین	۱۷/۷۸۲	۱۵/۳۶۴	۱۴/۲۹۳	۳۸/۲۵۴	۶۵/۲۸۵
انحراف معیار	۳/۵۴۱	۳/۶۱۲	۳/۱۲۸	۵/۲۱۲	۵/۴۵۶

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری، تنظیم شناختی هیجان و گرایش به اعتیاد

متغیر	سهل‌گیرانه	مقتدرانه	استبدادی	تنظیم شناختی هیجان	گرایش به اعتیاد
سهل‌گیرانه	۱				
مقتدرانه	-۰/۱۴۱	۱			
استبدادی	-۰/۲۶۲*	-۰/۴۲۶**	۱		
تنظیم شناختی هیجان	-۰/۳۶۰*	۰/۴۱۱**	-۰/۳۸۲*	۱	
گرایش به اعتیاد	۰/۴۹۱**	-۰/۵۲۳**	۰/۴۰۶**	۰/۴۷۵**	۱

$p < ۰/۰۵^*$

در جدول ۳، ضرایب رگرسیون خطی چندگانه برای پیش‌بینی میانگین نمره گرایش به اعتیاد براساس سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی هیجان گزارش شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون خطی چندگانه برای پیش‌بینی میانگین نمره گرایش به اعتیاد براساس سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی هیجان

متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		مقدار t	مقدار p	VIF
	برآورد اثر	خطای معیار برآورد	برآورد استاندارد شده	برآورد استاندارد شده			
مقدار ثابت	۷۵۹/۱۴	۰/۸۸					
سهل‌گیرانه	۰/۷۸۰	۰/۴۷	۰/۲۰۳	۰/۲۰۳	۱۸/۷۱	<۰/۰۰۱	۰/۸۴۱
مقتدرانه	۰/۴۵۱	۰/۲۱	۰/۲۷۴	۰/۲۷۴	۲۷/۶۵	<۰/۰۰۱	۰/۶۲۴
استبدادی	۰/۶۲۴	۰/۳۵	۰/۱۹۳	۰/۱۹۳	۱۳/۳۵	<۰/۰۰۱	۰/۵۴۷
تنظیم شناختی هیجان	۱/۰۱۳	۰/۲۸	۰/۳۱۵	۰/۳۱۵	۴۷/۸۶	<۰/۰۰۱	۰/۵۸۷

طبق نتایج تحلیل رگرسیون خطی چندگانه مندرج در جدول ۳، سبک سهل‌گیرانه ($\beta = ۰/۲۰۳$, $p < ۰/۰۰۱$)، سبک مقتدرانه ($\beta = ۰/۲۷۴$, $p < ۰/۰۰۱$)، سبک استبدادی ($\beta = ۰/۱۹۳$, $p < ۰/۰۰۱$) و تنظیم شناختی هیجان ($\beta = ۰/۳۱۵$, $p < ۰/۰۰۱$) میانگین نمره گرایش به اعتیاد را پیش‌بینی کردند. همچنین مقدار VIF، وجودداشتن هم‌خطی را نشان داد.

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی پیش‌بینی میانگین نمره گرایش به اعتیاد براساس سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی هیجان بود. نتایج نشان داد، سبک‌های فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده گرایش به اعتیاد بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های برگ و همکاران که نشان دادند، بین سبک‌های فرزندپروری و وابستگی به مواد مخدر ارتباط وجود دارد (۷)، وحید که در پژوهش خود دریافت، سبک‌های فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده گرایش به اعتیاد است (۸) و ویلکوکس و همکاران که تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر گرایش به اعتیاد را تأیید کردند (۱۲)، همخوان است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، والدین دارای شیوه فرزندپروری مقتدرانه، به دلیل وجود کنترل و حمایت کافی و مناسب باعث ایجاد محیطی امن و مطمئن می‌شوند که از شرایط بسیار اساسی برای رشد سالم فرد است. این کودکان، واقع‌گرا، باکفایت و خشنود توصیف

می‌شوند، متکی به نفس هستند، با همسالان روابط دوستانه دارند، با فشار روانی به‌خوبی مقابله می‌کنند، سرزنده و پرنرژی و کمتر مستعد رفتارهای پرخطر هستند. درمقابل، در شیوه‌های فرزندپروری نامناسب مانند شیوه‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه، این شرایط مطلوب برقرار نیست و فرد مستعد گرایش به‌سوی رفتارهای پرخطر است. وجود زمینه سرشتی در شخصیت فرد استعداد گرایش یا اجتناب از رفتن به سمت اعتیاد را فراهم می‌کند (۲۱). والدین ظرفیت زیادی برای تأثیر بر رشد رفتاری فرزندان دارند. سبک‌های فرزندپروری عرصه‌ای منطقی برای مطالعه اینکه چرا برخی فرزندان الکل و برخی دیگر دارو مصرف می‌کنند و عده‌ای از مصرف امتناع می‌ورزند، فراهم می‌آورد. برخی افراد مستعد اعتیاد هستند و اگر در معرض آن قرار گیرند، معتاد می‌شوند؛ درحالی‌که اگر کسی استعداد نداشته باشد، معتاد نمی‌شود. فرزندان والدین مقتدر، سلامتی روان‌شناختی بهتر و تبادل رفتاری مناسب‌تری با دیگران دارند. فرزندان والدین مستبد، مشکلات رفتاری، مصرف مواد همراه با شایستگی اجتماعی و عزت‌نفس ضعیف از خود نشان می‌دهند. والدین سهل‌گیر، موجب مصرف و افزایش مصرف الکل در فرزندان خود می‌شوند (۲۲). اعتیاد و گرایش به مصرف مواد مخدر، مشکلی اجتماعی و پزشکی است که آثار اجتماعی و فرهنگی ... دارد. در خانواده‌های معتاد، انزجار و طردشدن از خانواده زیاد اتفاق می‌افتد؛ بنابراین با یادگیری سبک صحیح فرزندپروری می‌توان با شکل‌دادن

درست رفتار و شخصیت کودکان در این خانواده‌ها، از آسیب‌های بیشتر و گرایش به اعتیاد جلوگیری کرد (۸).

دیگر یافته این پژوهش نشان داد، تنظیم شناختی هیجان پیش‌بینی‌کننده گرایش به اعتیاد بود. این نتیجه با یافته پژوهش‌های مک‌کی و همکاران که دریافتند، سبک‌های فرزندپروری بر گرایش به اعتیاد دانشجویان تأثیر معناداری دارد (۱۱)، سلان و همکاران که به ارتباط بین تنظیم شناختی هیجانی و گرایش به اعتیاد اشاره داشتند (۱۳) و صدری دمیرچی و کیانی که نشان دادند، تنظیم شناختی هیجانی می‌تواند گرایش به اعتیاد را پیش‌بینی کند (۲۳)، همخوان است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، ناتوانی در تنظیم شناختی هیجانات یکی از مشکلات افراد سوءمصرف‌کننده مواد مخدر است و این مسئله منجر به شکست در مدیریت حالات عاطفی و هیجانی افراد معتاد می‌شود. اشخاصی که نمی‌توانند هیجان خود را درست تنظیم کنند، ممکن است به اختلال مصرف مواد به‌عنوان راهی برای تخفیف هیجاناتشان روی آورند. واکنش‌پذیری و راهبردهای تنظیم هیجان منفی احتمال سوءمصرف مواد را افزایش می‌دهد. افرادی که نمی‌توانند برانگیختگی‌های خود را در جهت مثبت کنترل کنند، احتمالاً در معرض خطر سوءمصرف بیشتری قرار می‌گیرند (۲۴). باتوجه به تنوع‌طلبی، تجربه‌جویی و مخاطره‌جویی افراد هیجان‌خواه، در صورتی که شرایط مناسب برای تجربه هیجان و تخلیه انرژی این افراد فراهم نباشد، آمادگی تجربه مواد و داروهای روان‌گردان در آن‌ها افزایش می‌یابد و افراد با هیجان‌خواهی زیاد بیشتر در معرض استفاده از روش‌های غیرمنطقی کسب هیجان از جمله مصرف مواد مخدر هستند (۱۹). تنظیم شناخت هیجانی یا کنترل خود، تلاش سازمان‌یافته در جهت تنظیم افکار و احساسات و اعمال به‌منظور دستیابی به اهداف خاص است. هیجان‌های مثبت، خودتنظیمی را تسهیل می‌کنند و هیجانات منفی به خودتنظیمی آسیب می‌رسانند. برخی از الگوهای مغزی با برانگیختگی مرتبط است. به‌نظر می‌رسد که برانگیختگی شناختی، فرد را از نظر فیزیولوژیک مستعد چنین الگویی می‌سازد. افزون‌براین، برانگیختگی شناختی می‌تواند توانایی تمرکز، توجه، تفکر، استدلال و در کل پردازش خبر را دچار مشکل کند و در نتیجه، احتمال گرایش به اعتیاد و سوءمصرف مواد را افزایش دهد. نارسایی هیجانی در رویارویی افراد با حوادث تنش‌زا، از هسته‌های اساسی آسیب‌شناسی روانی است (۲۳).

مانند هر پژوهشی، مطالعه حاضر نیز محدودیت‌های خاص خود را داشت؛ از جمله اینکه ابزارهای به‌کاررفته در این تحقیق پرسش‌نامه بود و افراد ممکن است به دلایل مختلف، واقعیت‌ها را منعکس نکرده

باشند. کنترل‌نشدن همه متغیرهای مداخله‌گر از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. همچنین این تحقیق در بین دانشجویان دانشگاه پیام‌نور گنبد کاووس صورت گرفت؛ بنابراین تعمیم‌پذیری آن باید با احتیاط انجام شود.

در پایان باتوجه به نتایج حاصل می‌توان چندین پیشنهاد پژوهشی و کاربردی ارائه کرد. در بُعد پژوهشی، به پژوهشگران دیگر پیشنهاد می‌شود، در مطالعات آینده هر دو جنسیت مرد و زن را بررسی و باهم مقایسه کنند. در حیطه کاربردی، پیشنهاد می‌شود دوره آموزشی تنظیم شناختی هیجان برای دانشجویان دارای این مشکل برگزار شود؛ همچنین مشاوران دانشگاه‌ها در صورت مشاهده مشکلات تنظیم شناختی هیجان در دانشجویان آن‌ها را ارزیابی کنند و برایشان دوره‌های مشاوره ویژه در نظر بگیرند.

۵ نتیجه‌گیری

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، با استفاده از سبک‌های فرزندپروری صحیح و بهبود تنظیم شناختی هیجان می‌توان میانگین نمره اعتیاد را پیش‌بینی کرد و گرایش به اعتیاد را در دانشجویان کاهش داد. بدین لحاظ آموزش سبک فرزندپروری کارآمد و تنظیم شناختی هیجان در این زمینه به‌عنوان اهداف اصلی برنامه‌های کاهش تقاضای مصرف مواد پیشنهاد می‌شود.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان و همچنین اساتید محترم، سپاسگزاری می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد بجنورد است. همچنین این مطالعه دارای کد اخلاق IR.REC.BOJNOORD.1399.048 از دانشگاه آزاد بجنورد است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

این پژوهش، بدون حمایت مالی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

حسین ترکمانی نگارش مقاله را بر عهده داشت. دکتر مهدی قاسمی مطلق بازبینی و نظارت بر نگارش مقاله را انجام داد. دکتر بهرنگ اسماعیلی شاد آنالیز و تفسیر داده‌ها را بر عهده داشت. دکتر محمد محمدی‌پور در ارائه ایده پژوهشی و طراحی مطالعه سهیم بود.

References

1. Dick DM, Hancock LC. Integrating basic research with prevention/intervention to reduce risky substance use among college students. *Front Psychol.* 2015;6:544. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2015.00544>
2. Perski O, Herd N, West R, Brown J. Perceived addiction to smoking and associations with motivation to stop, quit attempts and quitting success: A prospective study of English smokers. *Addictive Behaviors.* 2019;90:306–11. <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2018.11.030>
3. Bassak Nejad S, Hatami Sarbarzeh M, Zargar Y. The effect of cognitive behavioral group therapy on thought-action fusion, thought suppression and guilt feeling of university students. *Journal of Behavioral Sciences* 2013;7(1):7–12. [Persian] http://www.behavsci.ir/article_67814.html

4. Garcia OF, Serra E, Zacaress JJ, Calafat A, Garcia F. Alcohol use and abuse and motivations for drinking and non-drinking among Spanish adolescents: do we know enough when we know parenting style? *Psychol Health*. 2020;35(6):645–64. <https://doi.org/10.1080/08870446.2019.1675660>
5. Harandi V, Soltani A, Manzari Tavakoli A, Zeinadini Z. The role of marital satisfaction and parenting style in function reading in children with specific learning disorder. *Middle Eastern Journal of Disability Studies*. 2018;8:62. [Persian] <http://jdisabilstud.org/article-1-1229-en.html>
6. Habibi M, Haji Sheykhi M, Lavaf H. The relationship between paternal lifestyle and parenting style: the role of father's drug addiction. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2016;21(4):297–307. [Persian] <http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-2520-en.html>
7. Berge J, Sundell K, Öjehagen A, Hakansson A. Role of parenting styles in adolescent substance use: results from a Swedish longitudinal cohort study. *BMJ Open*. 2016;6(1):e008979. <https://doi.org/10.1136/bmjopen-2015-008979>
8. Vahid B. The predicted role of parenting styles in man treated for substance abuse. *J Neurosurgery and Neurology Research*. 2020;1(1).1-3. doi: <http://doi.org/03.2020/1.1003>
9. Clarke PB, Lewis TF, Myers JE, Henson RA, Hill B. Wellness, emotion regulation, and relapse during substance use disorder treatment. *Journal of Counseling & Development*. 2020;98(1):17–28. <https://doi.org/10.1002/jcad.12296>
10. Abooe B, Amiri M. Relationship between perceived stress, frustration tolerance, cognitive emotion regulation with depression syndrome. *Middle Eastern Journal of Disability Studies*. 2019;9:79. [Persian] <http://jdisabilstud.org/article-1-1032-en.html>
11. McKee K, Russell M, Mennis J, Mason M, Neale M. Emotion regulation dynamics predict substance use in high-risk adolescents. *Addict Behav*. 2020;106:106374. <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2020.106374>
12. Wilcox CE, Pommy JM, Adinoff B. Neural circuitry of impaired emotion regulation in substance use disorders. *Am J Psychiatry*. 2016;173(4):344–61. <https://doi.org/10.1176/appi.ajp.2015.15060710>
13. Sloan E, Hall K, Moulding R, Bryce S, Mildred H, Staiger PK. Emotion regulation as a transdiagnostic treatment construct across anxiety, depression, substance, eating and borderline personality disorders: a systematic review. *Clin Psychol Rev*. 2017;57:141–63. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2017.09.002>
14. Krejcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*. 1970;30(3):607–10.
15. Baumrind D. Effective parenting during the early adolescent transition. In: Cowan PA, Hetherington M; editors. *Family transitions*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc; 1991.
16. Minaei A, Nikzad S. The factor structure and validity of the Persian version of the Baumrind Parenting Style Inventory. *Journal of Family Research*. 2017;13(1):92–108. [Persian]
17. Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven P. Negative life events, cognitive emotion regulation, and emotional problems. *Personality and Individual Differences*. 2001;30:1311–27. doi: [https://doi.org/10.1016/S0191-8869\(00\)00113-6](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(00)00113-6)
18. Khoshzamid Sh, Binesh M. Rabetebe beyn rahbord haye tanzime shenakhti hayajan va khallaghia hayajani be behdasht ravani daneshjouyan [The relationship between cognitive emotion regulation strategies and emotional creativity with mental health of students]. *Journal of Research in Educational Sciences*. 2016;10(33):85–100. [Persian] http://www.jiera.ir/article_49511.html?lang=en
19. Weed NC, Butcher JN, McKenna T, Ben-Porath YS. New measures for assessing alcohol and drug abuse with the MMPI-2: the APS and AAS. *J Pers Assess*. 1992;58(2):389–404. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5802_15
20. Zargar Y, Najarian B, Naami AZ. Barrasiye rabete vizhegi haye shakhsiati (hayajan khahi, ebraz vojoud, sarsakhti ravanshenakhti), negaresh mazhabi va rezayat zanashooei ba amadegi etiad be mavad mokhaddar dar karkonan yek Sherkat sanati dar Ahvaz [The relationship of some personality variables, religious attitudes and marital satisfaction with addiction potential in personnel of an industrial factory in Ahvaz]. *Journal of Education and Psychology*. 2008;15(1):99–120. [Persian]
21. Ahmadi V, Banijamali Sh, Sarami Gh. The relationship between parenting styles and addiction potentiality in Ilam high school students: the mediating role of novelty seeking. *Journal of Ilam University of Medical Sciences*. 2017;25(3):117–24. [Persian] <http://dx.doi.org/10.29252/sjimu.25.3.117>
22. Zeinali A, Vahdat R, Garadingeh K. The relationship between parenting style and addiction susceptibility in children. *Journal of Family Research*. 2010;6(3):335–52. [Persian] https://jfr.sbu.ac.ir/article_95740.html?lang=en
23. Sadri Demirchi E, Kiani A. The prediction of tendency to addiction based on social self-esteem and cognitive emotion regulation in university students. *Culture in The Islamic University*. 2018;8(2):289–306. [Persian] https://ciu.nahad.ir/article_551_0.html?lang=en
24. Sepehri M, Kiani Q. The relationship between cognitive emotion regulation and addiction tendency: the mediating roles of social and emotional loneliness and early maladaptive schemas. *Etiadpajohi*. 2020;14(56):313–38. [Persian] <http://dx.doi.org/10.29252/etiadpajohi.14.56.313>